



به نام خدا

سوالات فلسفه ۱

درس آریشه و شاخه های فلسفه

سال یازدهم ادبیات و علوم انسانی

درس ۲ ریشه و شاخه های فلسفه

* تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام عبارت غلط می باشد:

- ۱- بخش اصلی فلسفه که به منزله ریشه و پایه آن است، فلسفه علم نام دارد. غ
- ۲- دانش فلسفه دارای یک بخش اصلی و تعدادی بخش های فرعی است. ص
- ۳- هنگامی که کمیت و زنده بودن اشیا را مطالعه می کنیم، سروکار مابایکی از علوم خواهد بود. ص
- ۴- اشیا با آنکه در خصوصیات گوناگون فرق دارند اما در یک چیز شریک اند و آن اصل " وجود " است، موجودات همه در " موجود بودن " مشترک اند. ص
- ۵- وقتی که صرف نظر از چه چیز بودن و خصوصیات اشیا، صرفاً به " بودن و وجود " آن ها بپردازیم، قدم در عرصه علم فیزیک گذاشته ایم. غ
- ۶- یکی از مسائل مشترک میان علم و فلسفه اولی بحث از " هستی اشیا " می باشد. غ
- ۷- در علوم ، ما با جنبه خاصی از اشیا سروکار داریم مانند بحث کمیت یا بحث مقدار در ریاضیات. ص
- ۸- فلسفه اولی آن بخش از فلسفه است که درباره مسئله های مربوط به وجود تحقیق کرده و احکام و قواعدی را به دست می آورد که مربوط به یک وجود خاص است و نه خود هستی و وجود است. غ
- ۹- هرگاه خصوصیات یک وجود خاص مورد توجه ما قرار گیرد به سراغ مابعدالطبیعه می رویم. غ
- ۱۰- سوالاتی از قبیل آیا هستی منحصر در همین اشیا مادی است؟، آیا رابطه علیت بر کل هستی جاری است؟، آیا جهان به سمت تکامل است یا فروپاشی؟، به علوم مختلف مربوط می شوند. غ
- ۱۱- فیلسوفان درباره مسئله های مربوط به وجود تحقیق می کنند و برای به دست آوردن قوانین حاکم بر کل هستی تحقیق تامل می کنند. ص
- ۱۲- فیلسوف می کوشد با کمک عقل و استدلال و منطق ، پاسخ درست را بیابد و عوامل اشتباه و موانع پیش رو را از سر راه تفکر بردارد و به حقیقت ، آن گونه که هست برسد ، نه آن گونه که دلش می خواهد. ص
- ۱۳- در حقیقت ، شاخه های فلسفه ، رابط فلسفه اولی با رشته های مختلف دانش و معرفت اند. ص
- ۱۴- فلسفه فقط از هستی و قواعد آن بحث می کند. و در هر موضوعی به بنیادی ترین مسئله های آن می پردازد و درباره آن تامل می کند. غ
- ۱۵- فلسفه با هنر ، جامعه شناسی، فیزیک، روان شناسی و سایر علوم ارتباط دارد، اما هیچ یک از این دانش ها هم نیست. پس فلسفه اولی او در بردارنده پیام های خاصی برای هنر، جامعه، طبیعت ، دین و مانند آنهاست. ص
- ۱۶- هر فیلسوفی با توجه به دیدگاه خاصی که در فلسفه اولی دارد ، به گونه ای خاص در مسائل بنیادی هنر ، جامعه ، فیزیک ، روان و مانند آنها اظهار نظر می کند. ص

۱۷- افلاطون در فلسفه اولی خود اعتقاد دارد که علاوه بر عالم طبیعت ، عالم برتری به نام عالم مثل هست که عالم طبیعت برگرفته از آن است و نسبت عالم طبیعت به آن عالم مانند سایه نسبت به صاحب سایه است. ص
۱۸- به عقیده افلاطون ، حقیقت اصلی ، عالم مُثل است ، نه عالم طبیعت و برترین وجود ، مثالِ نفس است. غ
۱۹- نمی توان برای هر رشته علمی یک فلسفه طراحی کرد. غ
۲۰- اگر دانشمند علوم تربیتی نظر افلاطون در مورد مثل را بپذیرد ، برنامه های تربیتی خود را متناسب با آن قرار می دهد. ص

۲۱- افلاطون با توجه به برداشت خود از جهان، دیدگاهی در انسان شناسی و فلسفه اخلاق دارد که می گوید هدف حقیقی انسان رسیدن به عالم محسوسات و خیر نسبی است، نه ماندن در عالم خیالات که عام سایه هاست. غ
۲۲- با تامل فیلسوفانه درباره اخلاق، دین، طبیعت ، تاریخ ، علم و تربیت، فلسفه اخلاق، فلسفه دین، فلسفه طبیعت، فلسفه تاریخ ، فلسفه علم و فلسفه تربیت پدید می آید که به آنها فلسفه علوم انسانی می گویند. غ

* جاهای خالی را با کلمات مناسب پُر کنید:

۲۳- بخش اصلی فلسفه که به منزله ریشه و پایه آن است، نام دارد. و بخش های فرعی که به منزله شاخه ها و فروع فلسفه اند ، هر کدام به نام ویژه ای ، مانند و نامیده می شوند . (فلسفه اولی / فلسفه علم / فلسفه هنر)

۲۴- اشیاء با آنکه در خصوصیات گوناگون فرق دارند اما در یک چیز شریک اند و آن اصل " " است، و موجودات همه در " " مشترک اند. (وجود / موجود)

۲۵- در علوم ، ما با..... از اشیاء سروکار داریم مانند بحث کمیّت یا بحث مقدار در ریاضیات. (جنبه خاصی)

۲۶- فلسفه اولی نام دیگری است بر که پیرامون بحث می کند. (مابعدالطبیعه / هستی وجود)

۲۷- آن بخش از فلسفه است که درباره مسئله های مربوط به وجود تحقیق می کند نام دارد. (فلسفه اولی)

۲۸- دانشی که احکام و قواعدی را به دست می آورد که مربوط به خود هستی و وجود است، نه یک وجود خاص نام دارد. (فلسفه اولی یا مابعدالطبیعه)

۲۹- هرگاه خصوصیات یک وجود خاص مورد توجه ما قرار گیرد به سراغ می رویم. (علوم مختلف)

۳۰- علوم مختلف موجودات را از جهت یک وجود خاص بررسی می کنند. (خصوصیات و ویژگی های)

- ۳۱- سوالاتی از قبیل آیا هستی منحصر در همین اشیای مادی است؟، آیا رابطه علیت بر کل هستی جاری است؟، آیا جهان به سمت تکامل است یا فروپاشی؟، به مربوط می شوند (فلسفه اولی یا مابعدالطبیعه)
- ۳۲- فیلسوفان درباره مسئله های مربوط به تحقیق می کند و برای به دست آوردن قوانین حاکم بر تحقیق تامل می کند. (وجود / کل هستی)
- ۳۳- در حقیقت ، ، ، رابط فلسفه اولی با رشته های مختلف دانش و معرفت اند. (شاخه های فلسفه)
- ۳۴- فلسفه فقط از هستی و قواعد آن بحث نمی کند. بلکه در هر موضوعی به مسئله های آن می پردازد و درباره آن تامل می کند. (بنیادی ترین)
- ۳۵- هر فیلسوفی با توجه به دیدگاه خاصی که در دارد ، به گونه ای خاص در مسائل بنیادی هنر ، جامعه ، فیزیک ، روان و مانند آنها اظهار نظر می کند (فلسفه اولی)
- ۳۶- افلاطون در فلسفه اولی خود اعتقاد دارد که علاوه بر عالم طبیعت ، عالم برتری به نام عالم هست (مثل)
- ۳۷- افلاطون معتقد است که عالم طبیعت برگرفته از عالم مثل است و نسبت عالم طبیعت به آن عالم مانند نسبت به است (سایه / صاحب سایه)
- ۳۸- به عقیده افلاطون ، حقیقت اصلی ، است ، نه این عالم و برترین وجود هم ، است ، نه انسان (عالم مثل / مثال خیر)
- ۳۹- با توجه به برداشت افلاطون از جهان ، دیدگاهی در انسان شناسی و فلسفه اخلاق دارد که می گوید هدف حقیقی انسان رسیدن به و است ، نه ماندن در عالم خیالات که عام سایه هاست. (عالم مثل / خیر مطلق)
- ۴۰- با تامل فیلسوفانه درباره اخلاق ، دین ، طبیعت ، تاریخ ، علم و تربیت ، فلسفه اخلاق ، فلسفه دین ، فلسفه طبیعت ، فلسفه تاریخ ، فلسفه علم و فلسفه تربیت پدید می آید که به آنها فلسفه می گویند (مضاف)
- ۴۱- فرق فلسفه با سایر علوم در آن است که فلسفه به مربوط می شود اما سایر علوم به خصوصیات و ویژگی های یک (اصل وجود و هستی - وجود خاص)

۴۲- ریاضیات هر چیز را از آن جهت کهو.....دارد، مطالعه می کند. (کمیت - مقدار)

۴۳- در فیزیک اشیا از حیث.....بررسی می شوند. (خواص)

۴۴- بررسی موجودات از حیث حیات و زنده بودن، به علممربوط است. (زیست شناسی)

۴۵- وجه اشتراک تمام موجودات عالم درو.....است که موضوع.....است. (اصل وجود / موجود بودن / فلسفه اولی)

۴۶- در علوم طبیعیرابطه علی و معلولی بررسی می شود اما در فلسفه رابطه علت و معلول در.....مورد بررسی قرار می گیرد. (مصادیق / اصل وجود)

۴۷- مابعد الطبیعه علم به.....است در حالت کلی و قلمرو آن عالم هستی است اما ماوراء الطبیعهاز عالم هستی است. (وجود / کل / مرتبه ای)

۴۸- ریشه های درخت فلسفه.....و شاخه های آناست. (فلسفه اولی - فلسفه های مضاف)

۴۹- شاخه های فلسفه رامی گویند. (فلسفه مضاف)

۵۰- روش کسب علم در علوم طبیعی.....و در فلسفه.....است. (تجربه / تفکر و تأمل عقلانی)

۵۱- روش حل مسائل فلسفی به روش حل مسئله های نزدیک است. (ریاضیات)

۵۲- اعتقاد فلاسفه به ماوراء الطبیعه در شکل گیری مکتب های.....مؤثر بوده است. (تربیتی)

* گزینه ی صحیح را انتخاب کنید:

۵۳- ریشه و شاخه های فلسفه به ترتیب کدامند؟

۱) فلسفه اولی - فلسفه علم ۲) فلسفه علم - فلسفه هنر ۳) فلسفه علم - مابعد الطبیعه ۴) فلسفه اولی - مابعد الطبیعه

۵۴- تفاوت علوم مختلف ، در اصل به کدام مولفه باز می گردد؟

۱) موضوع ۲) روش ۳) مسائل ۴) مفاهیم

۵۵- با توجه به تمثیل غار افلاطون ، نسبت عالم طبیعت به عالم مثل مانند است نسبت به و برترین وجود همانا مثال است نه مثال

۱) سایه - صاحب سایه - انسان - خیر ۲) صاحب سایه - سایه - انسان - خیر

۳) صاحب سایه - سایه - خیر - انسان ۴) سایه - صاحب سایه - خیر - انسان

۵۶- کدام یک از گزینه های زیر در زمره فلسفه های مضاف به شمار نمی رود؟

(۱) فلسفه علم (۲) فلسفه هنر (۳) فلسفه اخلاق (۴) فلسفه اولی

جواب سوالات تستی: ۵۳- (گزینه ۱)، ۵۴- (گزینه ۱)، ۵۵- (گزینه ۴)، ۵۶- (گزینه ۴)

* هر یک از گزینه های ستون راست با یکی از گزینه های ستون چپ مناسبت دارد، آنها را در کنار

هم بنویسید؟

(۱) شاخه های فلسفه	(۵۷) وجه مشترک همه اشیا وامور (۲)
(۲) وجود وهستی	(۵۸) بررسی احکام وقواعدی مربوط به هستی وجود(۵)
(۳) مسئله های فلسفی	(۵۹) رابط فلسفه اولی یا رشته های مختلف دانش ومعرفت(۱)
(۴) فلسفه هنر	(۶۰) مانند مسئله های ریاضی فقط با عملیات فکری می توان به حل آنها پرداخت.(۳)
(۵) فلسفه اولی	(۶۱) چرا بعضی زبان زیبایی اشیا را می فهمند؟(۴)
(۶) فلسفه اخلاق	
(۷) فلسفه مضاف	

* پاسخ کوتاه دهید:

۶۲- بخش اصلی فلسفه و بخش های فرعی آن کدامند؟ بخش اصلی که به منزله ریشه و پایه فلسفه است فلسفه اولی نام دارد و بخش های فرعی که به منزله شاخه ها و فروع فلسفه اند، هر کدام به نام ویژه ای، مانند فلسفه هنر و فلسفه علم و... نامیده می شوند.

۶۳- اختلاف و اشتراک اشیا نسبت به هم در چیست؟ اشیا عالم، با آنکه در خصوصیات گوناگون فرق دارند، اما در یک چیز شریک اند و آن، اصل وجود است. آنها همه در موجود بودن مشترک اند.

۶۴- علوم مختلف موجودات را از نظر بررسی می کنند. الف) چستی ب) هستی ← الف)

۶۵- معمولا چه زمانی به سراغ علوم مختلف می رویم؟ هرگاه خصوصیات و ویژگی های یک موجود خاص مورد توجه ما قرار گیرد.

۶۶- علم مابعدالطبیعه یا فلسفه اولی را تعریف کنید؟ فلسفه اولی آن بخش از فلسفه است که درباره مسئله های مربوط به وجود تحقیق می کند. احکام و قواعدی را به دست می آورد که مربوط به خود هستی و وجود است، نه یک وجود خاص

۶۷- فرق فلسفه (مابعدالطبیعه) و سایر علوم مختلف چیست؟ فلسفه به مطالعه در اصل وجود و هستی می پردازد اما سایر علوم هر یک خصوصیات و ویژگی های یک موجود خاص را بررسی می کنند. سنگ بودن سنگ، فلز بودن فلز، گیاه بودن گیاه ← سایر علوم

سنگ وجود دارد، فلز وجود دارد، گیاه وجود دارد ← فلسفه

۶۸- فلسفه، ریاضیات، فیزیک و زیست شناسی را از جهت موضوع مقایسه کنید؟ فلسفه ← مطلق وجود ریاضیات ← کمیت و مقدار فیزیک ← خواص زیست شناسی ← حیات و زنده بودن

۶۹- گزاره هایی طراحی کنید که به «فلسفه اولی» مربوط شود. (طرح پرسش) ۱- آیا هستی ثابت است یا متغیر؟ ۲- آیا اصل جهان سر انجام دارد؟ ۳- رابطه علیت از مسائل فلسفه اولی، به اصل هستی مربوط است یا خصوصیات هستی؟ ۴- فرق هستی و چیستی کدام است؟

۷۰- چه ارتباطی بین فلسفه و سایر علوم است؟ فلسفه فقط از هستی و قواعد آنکه مربوط به فلسفه علوم است بحث نمی کند بلکه در هر موضوعی به بنیادی ترین مسئله ها می پردازد و در باره ی آن تأمل می کند.

۷۱- مهم ترین بخش فلسفه کدام است و وظیفه آن چیست؟ «فلسفه اولی» یا «مابعدالطبیعه» آن بخش ریشه ای فلسفه است که در جستجوی احکام و عوارض هستی است.

۷۲- ارتباط بین فلسفه اولی و فلسفه مضاف را در تصویر زیر مشخص کنید. ریشه ها فلسفه اولی و شاخه های فلسفه مضاف مانند: فلسفه دین، فلسفه سیاست، فلسفه جامعه شناسی، فلسفه روان شناسی و...



۷۳- تلاش عقل در حل مسائل فلسفی چگونه است؟ عقل می کوشد در خود کاوش کند و با عمل تفکر و

تجزیه و تحلیل دانسته ها به کشف مجهول نزدیک شود.

۷۴- هر یک از سؤالات ذیل مربوط به کدام علم و در چه علمی مورد بحث قرار می گیرد؟

(۱) چرا ارزشهای اخلاقی نسبی است؟ (فلسفه اخلاق)

(۲) چرا بعضی زبان زیبایی و هنری را می فهمند و بعضی دیگر آنرا نمی فهمند؟ (فلسفه هنر)

(۳) چرا راستی و درستی خوب است و دروغ و خیانت بد؟ (فلسفه اخلاق)

*** پاسخ کامل دهید:**

۷۵- یک فیلسوف مسائل علوم را از چه زاویه ای بررسی می کند؟ فیلسوف در ریشه ای ترین و بنیادی

ترین مسائل علوم، با توجه به دیدگاه خاصی که در فلسفه اولی دارد می اندیشد و در باره آن ها اظهار نظر می کند؛ یعنی

فلسفه اولی او در بر دارنده ی پیام های خاصی برای هنر، جامعه، طبیعت، دین و... است. پس می توان برای هر علمی

یک فلسفه طراحی کرد

۷۶- تلاش و کوشش فیلسوف در چه جهتی است؟ فیلسوفان درباره سوالات و مسائل فلسفه اولی و برای به

دست آوردن قوانین حاکم بر کل هستی تحقیق و تأمل می کنند و می کوشند با کمک عقل و استدلال و منطق پاسخ

درست را بیابند و با همان استدلال و منطق با دیگران در میان بگذارند. آن ها می کوشند عوامل اشتباه و موانع پیش رو را

از سر راه تفکر بر دارند و به حقیقت، آن گونه که هست برسند.

۷۷- منظور از فلسفه های مضاف چیست و چه ارتباطی بین آن ها و فلسفه اولی است؟ شاخه های

فلسفه را «فلسفه مضاف» می گویند. مضاف به معنی اضافه شده است. مثلاً وقتی فلسفه را به علم اضافه کنند، «فلسفه

علم» شکل می گیرد؛ در این صورت اگر فلسفه را بدون اضافه ی به چیزی به کار ببرند، مقصود همان فلسفه ی اولی

است که ریشه و اساس فلسفه های مضاف است.

۷۸- برای درک بهتر مکاتب تربیتی پیش از مطالعه آن ها چه باید کرد؟ مطالعه فلسفه ای که پشتوانه آن

مکتب است زیرا اعتقاد یا عدم اعتقاد فلاسفه به ماوراء الطبیعه و نیز روح علاوه بر بدن، مکتب تربیتی را پدید می آورد

که با مکتب تربیتی فیلسوفی که این امور را نمی پذیرد، متفاوت است.

۷۹- برای هر یک از فلسفه های تاریخ، علوم اجتماعی، روان شناسی، اخلاق، هنر و حقوق، به ترتیب یک سوال طراحی کنید.

۱- آیا می توان برای سیر حوادث در تاریخ بشر قوانینی را کشف کرد؟- فلسفه تاریخ

۲- آیا انسان تابع پایگاه اجتماعی خود است یا مستقل و آزاد از پایگاه اجتماعی خاص؟- فلسفه علوم اجتماعی

۳- چرا شناخت و معرفت از مسائل مهم فلسفه است؟- فلسفه روان شناسی

۴- آیا اخلاق مطلق است یا نسبی؟- فلسفه اخلاق

۵- چرا بعضی زبان زیبایی را می فهمند؟- فلسفه هنر

۶- چه کسی حق دارد برای مجازات مجرمان قانون وضع کند؟- فلسفه حقوق

۸۰- چرا مسائل فلسفی را نمی توان به روش تجربی حل کرد پاسخ به این پرسش ها از چه طریقی

است؟ زیرا مسئله های فلسفی را نمی توان به تجربه در آورد و یا از طریق حواس آن ها را حل نمود. ما هرگز نمی

توانیم برای یک پرسش فلسفی از حس بینایی یا میکروسکوپ و یا تلسکوپ و یا هر نوع ابزار دیگری استفاده کنیم یا با

آمار و نظر خواهی از افراد سوال های فلسفی را پاسخ دهیم بلکه راه حل این مسائل تفکر و تأمل است .

۸۱- بررسی اشیاء و پدیده ها در علوم مختلف چه تفاوتی با بررسی آنها در فلسفه اولی دارد؟ در علوم ما

با جنبه خاصی از اشیاء سروکار داریم مانند بحث کمیت یا بحث مقدار در ریاضیات اما در فلسفه اولی آن بخش از فلسفه

است که درباره مسئله های مربوط به وجود تحقیق می کند . احکام وقواعدی را به دست می آورد که مربوط به خود

هستی و وجود است ، نه وجود خاص.

۸۲- دونمونه سوال از سوالات مهمی که از دیرباز برای بشر مطرح بوده و به اصل هستی و وجود یعنی

به فلسفه اولی یا مابعدالطبیعه مربوط می شود، را بنویسید. آیا هستی منحصر در همین اشیای مادی است؟

آیا رابطه علیت در کل هستی جریان دارد؟ جهان به سمت تکامل حرکت می کند یا فروپاشی؟ آیا موجودات ا راده و

اختیار دارند؟ آیا هستی دارای طرح و نقشه خاصی است؟

۸۳- توضیح دهید فیلسوفان در بررسی اشیاء در مورد چه مسئله های مهمی تحقیق و تامل می کنند

وتلاش آنها در چه زمینه ای است؟ فیلسوفان درباره مسئله های مربوط به وجود تحقیق می کنند می کوشند قوانین حاکم بر کل هستی را به دست بیاورند. برخی از این فیلسوفان به نتیجه می رسند و برخی نه. گاهی هم پاسخ های متفاوت به یک سؤال می دهند و با یکدیگر اختلاف نظر پیدا می کنند. با این حال، هر فیلسوفی می کوشد با کمک عقل و استدلال و منطق، پاسخ درست را بیابد و با همان استدلال و منطق آن پاسخ را با دیگران در میان بگذارد. او با دیدن اختلاف نظر نا امید نمی شود؛ چون او می داند، همان طور که امکان اشتباه در انسان هست، امکان رسیدن به حقیقت نیز در او وجود دارد. فیلسوف می کوشد عوامل اشتباه و موانع را از راه تفکر بردارد و به حقیقت، آن گونه که هست برسد، نه آن گونه که دلش می خواهد و احساساتش او را به آن سو تحریک می کند.

۸۴- آیا بین فلسفه و علوم مختلف ارتباط وجود دارد؟ توضیح دهید. آری، در حقیقت، شاخه های فلسفه، رابط

فلسفه اولی با رشته های مختلف دانش و معرفت اند. فلسفه فقط از هستی و قواعد آن بحث نمی کند، بلکه در هر موضوعی به بنیادی ترین مسئله ها می پردازد و درباره آنها تأمل می کند. از این رو فلسفه با هنر، جامعه شناسی، فیزیک، روان شناسی و سایر علوم ارتباط دارد، اما هیچ یک از این دانش ها نیست. فیلسوف درباره سیاست می اندیشد اما درباره ریشه ای ترین مسئله های سیاست؛ درباره اخلاق، دین، طبیعت، علم، تاریخ و تربیت هم می اندیشد، اما در بنیادی ترین مسئله های آنها. هر فیلسوفی با توجه به دیدگاه خاصی که در فلسفه اولی دارد، به گونه ای خاص در مسائل بنیادی هنر، جامعه، فیزیک، روان شناسی و مانند آنها اظهار نظر می کند یعنی نگاه او به اصل هستی در بردارنده پیام های خاصی برای هنر، جامعه، طبیعت، دین و مانند آنهاست.

۸۵- با توجه به دیدگاه خاص افلاطون در مورد فلسفه اولی عقیده وی درباره عالم مثل را توضیح

دهید؟ افلاطون در نگاه خود به هستی اعتقاد دارد که علاوه بر عالم طبیعت، عالم برتری به نام عالم مثل هست که این عالم طبیعت برگرفته از آن عالم است؛ به نظر او نسبت عالم طبیعت به آن عالم مانند نسبت سایه به صاحب سایه است. یعنی حقیقت اصلی و برتر، آن عالم است، نه این عالم و برترین وجود هم، مثال خیر است، نه انسان. افلاطون، با توجه به چنین برداشتی از جهان، دیدگاهی خاص در انسان شناسی و فلسفه اخلاق دارد. او می گوید هدف حقیقی انسان رسیدن به عالم مثل و خیر مطلق است، نه ماندن در عالم طبیعت که عالم سایه هاست.

۸۶- آیا می توان برای هر رشته علمی یک فلسفه نیز طراحی کرد ونحوه پیدایش آنها چگونه

است؟ آری، بدین ترتیب، با تأمل فیلسوفانه درباره اخلاق، دین، طبیعت، تاریخ، علم و تربیت، فلسفه اخلاق، فلسفه دین، فلسفه طبیعت، فلسفه تاریخ، فلسفه علم و فلسفه تربیت پدید می آید. به این قبیل از شاخه های فلسفه های فلسفه های مضاف می گویند. پس می توان برای هر رشته علمی یک فلسفه نیز طراحی کرد. امروزه دامنه این فلسفه ها بسیار توسعه یافته و هر موضوع با اهمیتی که توجه فیلسوفان و اندیشمندان را به خود جلب کرده، فلسفه ای پیدا کرده است؛ مانند: فلسفه تکنولوژی، فلسفه فرهنگ و فلسفه پزشکی که در دانشگاه های جهان تدریس می شوند.